

انقلاب و دیپلماسی
در

خاطرات سید محمد صدر

تدوین و تحقیق: محمد قبادی



انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

دفتر ادبیات انقلاب اسلامی



انقلاب و دیپلماسی در خاطرات سید محمد صدر

تدوین و تحقیق: محمد قبادی

جانب صحافی و لیتوگرافی: ویژه پرداز اندیشه- چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۷۶۳-۱

سرنوشت: قبادی، محمد، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور: انقلاب و دیپلماسی در خاطرات سید محمد صدر /

تدوین و تحقیق: محمد قبادی

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۵۷۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۷۶۳-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۵۰۹.

یادداشت: نمایه.

موضوع: صدر، محمد، ۱۳۳۰ - - خاطرات

موضوع: سیاستمداران - - ایران - - خاطرات

موضوع: دیپلماسی

موضوع: ایران - - تاریخ - - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ق ۳۶ ص / DSR1۷۰

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۴۶۳۲۱

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲ - سامانه پیامک: ۳۰۰۰۵۲۱۹

تلفن مرکز بخش (بج خط): ۶۶۴۶۰۹۹۳ - فکس: ۶۶۴۶۰۹۵۱

www.sooramehr.ir

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست

۰۱۱	پیشگفتل
۰۱۷	فصل اول: پیشینه خانوادگی، تولد و تحصیل
۰۸۱	فصل دوم: دوران دانشجویی
۱۶۳	فصل سوم: ارتباط با سازمان مجاهدین خلق
۲۰۱	فصل چهارم: دوران انقلاب
۲۴۳	فصل پنجم: پیروزی انقلاب اسلامی
۲۷۳	فصل ششم: دولت شهید رجایی
۳۲۳	فصل هفتم: خدمت در وزارت امور خارجه
۵۰۹	منابع تحقیق
۵۱۵	اسناد و تصاویر
۵۴۹	فهرست اعلام

پیشگفتار

نخستین بار دکتر سید محمد صدر را در ساختمان مجامع وزارت امور خارجه، در خیابان شهید آقایی، خیابان شهید باهنر (نیاوران) ملاقات کردم. جلسه‌ای برای آشنایی و قول و قرارهای مصاحبه بود. دفتر کارش رو به آفتاب در انتهای سالنی در طبقه دوم ساختمان قرار داشت. سالنی که در واقع موزه بود و اشیاء و هدایای سفرا و مقامات خارجی در آن نگهداری می‌شد و انتهای آن سه دفتر کار قرار داشت. یکی اتاق سید محمد صدر، دومی اتاق میر محمد موسوی و سومی را نمی‌دانم.

سید محمد صدر را تا آن روز از نزدیک ندیده بودم؛ اما می‌دانستم که او را دیپلماتی واقع‌گرا می‌دانند. گاهی نیز در برخی روزنامه‌ها مقاله یا مصاحبه‌ای از او خوانده بودم، اما خودمانی بگویم، آنچه که مرا به او بیشتر نزدیک می‌کرد، فرزند آیت‌الله سید رضا صدر و برادرزادگی امام موسی صدر بود، هر چند که موضوع ملاقات ما این بزرگان نبودند.

سالهای اخیر از او چهره‌ای منتقد در عرصه دیپلماسی ساخته است. ابائی از بیان انتقادات و کاستیها نداشت، همان طور که از شنیدن انتقاد دوری نمی‌کرد. گفت‌وگو با او ساده و صمیمی بود. در

گفت‌وگو بی‌غل و غش سخن می‌گفت و شنونده‌اش را به سختی و تکلف نمی‌انداخت؛ اگرچه شاید معذوراتی هم داشت. او بارها تأکید کرده بود تمام سخنانش متکی به حافظه است و فراموشی چون موریا که آن را می‌خورد؛ اگرچه به گمان من این فراموشی به اقتضای موقعیتش بوده است.

پیش از اینکه با دکتر صدر ملاقات و به تکمیل خاطرات ضبط شده‌اش بپردازم، دوبار و هر بار به طور مفصل خاطراتش ثبت و ضبط شده بود. بار نخست در سال ۱۳۷۵ توسط همکارانم در واحد تاریخ شفاهی دفتر ادبیات انقلاب اسلامی و مرتبه دوم در سال ۱۳۸۵ توسط مصاحبه‌گران مرکز اسناد انقلاب اسلامی. اولی صوتی بود و پیاده شده آن نسخهای دست‌نویس و دومی تصویری بود و تایپ شده و منظم. هر دوی این مصاحبه‌ها یکی از طریق دفتر ادبیات انقلاب اسلامی و آن دیگری از طریق شخص ایشان در اختیارم قرار گرفت.

صدر با این شرط خاطراتش را در اختیارم گذارد که نه سخنش کوتاه و خلاصه تدوین شود و نه پی‌نوشتی جانبدارانه بدان افزوده شود. تأکید او مرا نیز به وسواس انداخت و از این رو خاطراتش را به صورت پرسش و پاسخ تدوین کردم تا مرز بین راوی و تدوین‌گر و مصاحبه‌گر مشخص گردد.

پرسش و پاسخهای متن حاضر برآمده از دو مصاحبه پیش گفته است و چون آن دو مصاحبه بر مدار گفت‌وگویی فعال قرار نداشت، پس چاره را در مصاحبه‌ای تکمیلی یافتم و آن را در پنج جلسه در محل وزارت امور خارجه انجام دادم. این پرسش و پاسخها و رای آن گفت‌وگوها و سوالاتی است که پس از تدوین کار و در زمان حک

و اصلاح اثر، با ایشان مطرح کردم و در متن گنجاندم. در این میان مناسب است اشاره کنم که گاهی پرسشی را مطرح می‌کردم که ایشان پیش‌تر بدان پاسخ داده بود و این همه از آن‌رو بود که بتوانم به برخی سخنان بی‌درپی در موضوعات مختلف که ایشان در مصاحبه‌های گذشته مطرح کرده و مصاحبه‌گر تنها شنونده‌ای فعال بود، ورود نمایم و در تدوین خاطرات، تفکیکی ایجاد کرده باشم؛ با این حال در چند جا سؤالاتی در میانه متن افزودم تا پاسخها روشن‌تر شوند.

متن پیش‌رو خاطرات و تحلیل‌های دکتر سیدمحمد صدر از تولد و خاندانش تا پاییز ۱۳۶۲ است که در هفت فصل تدوین گردیده و بی‌نوشتایی بدان افزوده شده است.

در فصل نخست، پیشینه خانوادگی، تحصیل در قم و تهران مورد توجه قرار گرفته است. این فصل از آن حیث که به آیت‌الله سیدرضا صدر پرداخته و مدرسه علوی تهران را در نظر داشته، اهمیت دارد. فصل دوم ورود او به دانشگاه است. در واقع سیدمحمد صدر در این دوره فعالانه به مباحث سیاسی و برخی فعالیتها و جریانات جنبش دانشجویی پرداخته است.

در فصل سوم او از نحوه ارتباطش با سازمان مجاهدین خلق و از دو تجربه‌اش در همکاری و ارتباط با دو چهره مورد توجه سازمان مجاهدین خلق سخن گفته است. یکی محمدحسین اکبری آهنگر و دیگری محمدحیاتی. مباحث مطرح شده در این فصل خواننده را با مواضع این دو نفر و در نتیجه مواضع سازمان مجاهدین خلق آشنا تر می‌کند. در فصل چهارم به برخی وقایع در دو سال آخر سلطنت پهلوی از جمله نماز عید فطر در تپه‌های قیطریه (۱۳۵۷)، راهپیمایی میلیونی در ۱۳ شهریور همان سال و جمعه خونین ۱۷ شهریور می‌پردازد.

سید محمد صدر در این فصل اشاره‌ای نیز به دوره سربازی اش می‌کند. فصل پنجم به وقایع روزهای پایانی عمر رژیم پهلوی بویژه رخدادهای میدان امام حسین در تهران، انتخاب مهندس بازرگان به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت از سوی امام خمینی و وقایع پس از آن می‌پردازد.

شهید رجایی و نخستین همکاریهای صدر با دولت آن شهید سعید، محور گفت‌وگو در فصل ششم است. او در این فصل از نخستین تجربیاتش در نخست‌وزیری می‌گوید و اینکه چه شد، به همراه رجایی به وزارت امور خارجه رفت.

مفصل‌ترین گفت‌وگو در دوره‌ای است که سید محمد صدر در کسوت یک دیپلمات قرار می‌گیرد و عهده‌دار مدیرکلی دو قاره اروپا و امریکا می‌گردد. اهمیت کشورهای این دو قاره بر هیچ کس پوشیده نیست هر چند که به گفته صدر، مناسبات دیپلماتیک در سالهای پس از پیروزی انقلاب با آن کشورها آنچنان گسترده نبوده باشد.

آنچه در این فصل مفصل (فصل هفتم) مطرح شده است تکیه بر ذهن پرسش‌شونده دارد و او بارها تأکید کرده که امیدوار است روزی اسناد وزارت امور خارجه از طبقه‌بندیهای مرسوم این وزارتخانه خارج شود و در تأیید و تکمیل سخنانش لب بکشایند.

در تنظیم پی‌نوشتها سعی کردم به منابعی که از آنها بهره برده‌ام ارجاع دهم اما این قاعده در مورد اسامی شخصیت‌های خارجی و یا برخی موضوعات مرتبط با آنان رعایت نشده است. در تهیه این پی‌نوشتها از اینترنت بهره جستیم.

این خاطرات تدوین نمی‌شد اگر پیشنهاد واحد تاریخ شفاهی دفتر ادبیات انقلاب اسلامی و خواست دکتر سید محمد صدر در پس

خواست خدای متعال نبود. پس جا دارد از همه‌شان تشکر کنم که در این مهم اعتماد کردند و کار را به من سپردند.

تشکر دیگر شایسته دوستانم در واحد تاریخ شفاهی، کتابخانه تخصصی انقلاب اسلامی، کتابخانه تخصصی جنگ، آرشیو فرهنگ ناموران معاصر و واحد آماده سازی آثار در دفتر ادبیات انقلاب اسلامی است.

متن پیش رو از حیث تدوین و پژوهشهای پیرامونی و تاحدی مصاحبه با صاحب خاطرات کاستیهایی دارد که جملگی متوجه این کمترین است، پس منت‌دار راهنمایی تان هستم.

محمد قبادی

تابستان ۱۳۹۲

mghobady75@yahoo.com